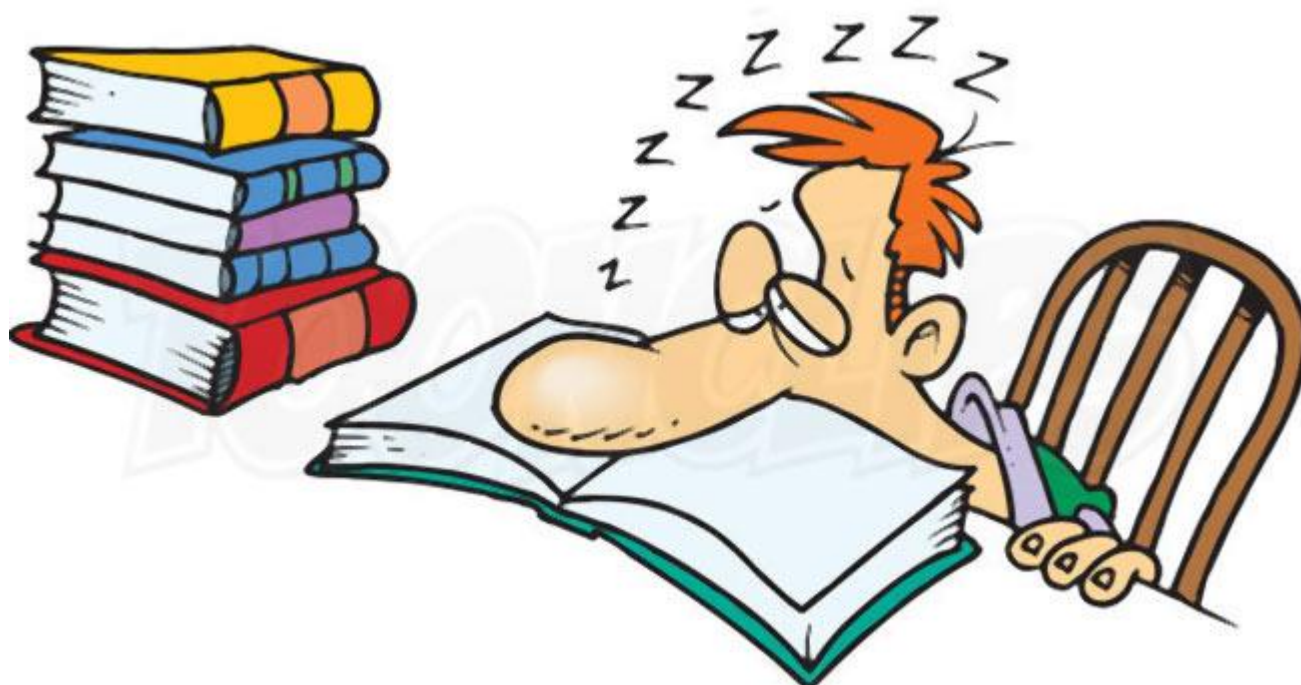


ترفندهای شب امتحان برای رساندن نمره به لب مرز



جان به جان تان بکنند، باز هم "شب امتحان خوان" هستید! حالا ما هی بیاییم و بزیم توی سرمان که "بچه های خوب! لطفا درس هایتان را در طول ترم بخوانید و شب امتحان را برای مرور بگذارید!"، یا این که از یک ماه قبل، هی از استرس امتحان و... بگوییم شاید که کمی استرس به جان تان بیفتد، اما شما فکر می کنید این کارهای ما اثر دارد؟ روی همین حساب، رفتیم سراغ دو نفر که عینهو خودتان، جز شب امتحان، بقیه ی روزها، روی ماه کتاب و جزوه شان را می بوسند و آن ها را کنار می گذارند، اما این دو تن، به طرز محیر العقولی توانسته اند با یک سری ترفند کذایی، یک شبه راه شش ماهه را طی کنند و همه ی درس ها را با نمراتی قابل قبول دو در کنند! از چاپ اسم و مشخصات شان که به دلایل ارزشی (!) معذوریم، اما شما را از ترفندهای خفن شان بهره مند خواهیم کرد!

اما خداییش خودتان قضاوت کنید ارزش دارد آنقدر خودمان را به زمین و هوا بزیم که یک شبه قضیه را ماست مالی کنیم؟ ارزش دارد مردم؟

هنوز دیر نشده!



خیلی ها فکر می کنند که برنامه ریزی، مال همان بچه زرنگ هایی است که از اول ترم درس هایشان را خوانده اند! روی همین حساب هم شب امتحان، همین جوری و بدون برنامه شروع به خواندن می کنند. بعد از این که نصف زمان شان را فقط برای مقدمه ی کتاب از دست دادند، تازه می فهمند که ای دل غافل...

اما اگر از من می شنوید، برای همین چند ساعت باقی مانده تا امتحان هم برنامه ریزی کنید! اول ببینید که دقیقا چند ساعت فرصت دارید و قصد دارید چند فصل بخوانید! بعد همین مقدار را برای فصل های کتاب تان عادلانه تقسیم کنید. این جوری هم دست تان می آید که چقدر باید بخوانید و هم بیش از حد روی یک مطلب پیش پا افتاده وقت تلف نمی کنید!

اصلا کدوم کتاب؟!



جان مادرتان اگر دقیقه نودی سودای پاس کردن کتاب دارید، حداقل این یک مورد را جدی بگیرید. اگر در طول ترم فکر می کردید که شاگرد اول کلاس از دماغ فیل افتاده، همین شب امتحانی، کوتاه بیایید. تلفن را بردارید و مثل یک عاشق دلخسته علم و دانش، نویسنده، ناشر و مشخصات کتابی که در دست تان است را با مشخصات کتابی که در دست شاگرد اول است، چک کنید، تا هم خیال تان راحت شود که منبع امتحانی تان درست است و هم از آخرین تغییرات و حذفیات امتحان مطلع شوید. وقتی بفهمید که چند صفحه ناقابل از کتاب تان حذف شده است، آن هم درست شبی که برای یک صفحه هم حاضرید چانه بزنید، یک انرژی ای می گیرید که نگو...

هیچ کس تنها نیست!



از قدیم گفته اند: اول رفیق بعدش طریق! یعنی اول یک همراه خوب پیدا کن و بعد بزنی به جاده! بهترین کار این است که بروی و یک بیچاره مثل خودتان پیدا کنید! یک نفر که مثل شما تازه کتاب را خریده و بسم ا... گفته! یک قرار مشترک بگذارید و همین چند ساعت باقی مانده را با هم سرعت بگیرید! تجربه من همیشه نشان داده، این جور وقت ها خیلی سریع تر و با انگیزه تر از همین چند ساعت استفاده می کنم!

رفاقت با جناب استاد!



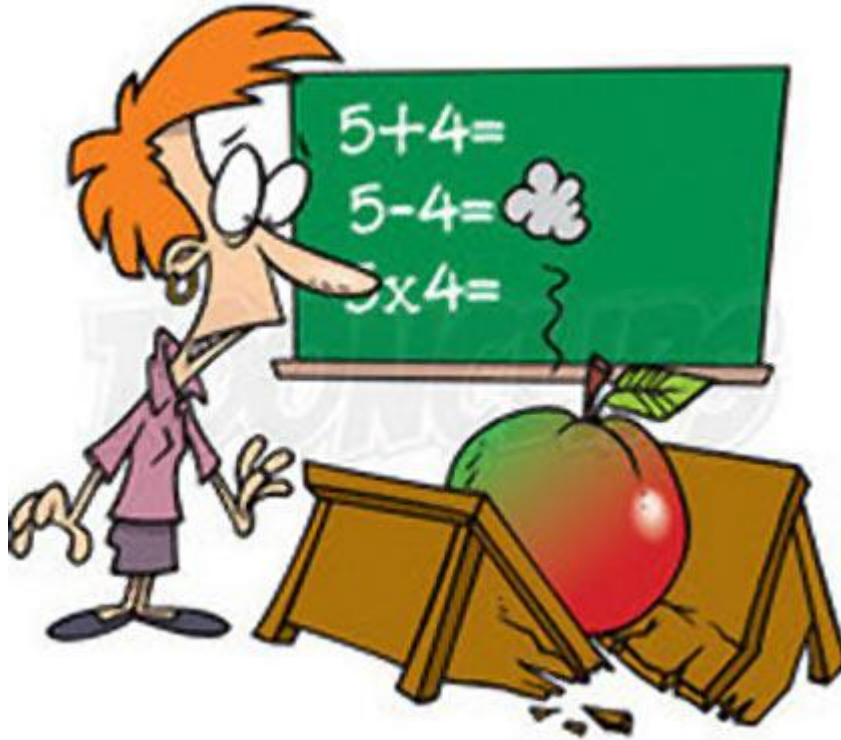
به جان شما نباشد، به جان همه ی اساتید بزرگوار، بعد از عمری فراگیری علم و دانش، دیگر اخلاق لعنتی خودم دستم آمده بود، من از آن آدم هایش نبودم که در طول ترم درس بخوان باشم، جان به جانم می کردند شب امتحانی بودم. به خاطر همین روحيات، همیشه حواسم بود که باید کل ترم را با استراتژی بگذرانم و باید در طول ترم، خودم و توانمندی هایم را به استاد ثابت می کردم، چون بچه خنگ و خپلی نبودم. گاهی اوقات در کلاس با پرسیدن چندتا سوال مشتکی حسابی تأییدشان را می گرفتم و نشان می دادم که سر و پا گوشم و کلی برای شان کله تکان می دادم. نتیجه اش هم این بود که جناب استاد بعد از تصحیح برگه من، با دست باز نمره می داد و خلاصه تا لب مرز و گاهی حتی خیلی بیشتر همراهی ام می کرد...

همسایه ها یاری کنید!



بابا آدم این همه خواهر، برادر و دختر خاله، پسرخاله را برای مراسم ختمش که نمی خواهد! همین شب های مخوف امتحان، اگر به داد هم نرسیم، پس به چه دردی می خوریم؟ همین دخترخاله ی بنده، یک بار به شدت توی بستر مریضی افتاده بود و فردایش هم امتحان تاریخ معماری داشت، یک کتاب ۵۰۰ صفحه ای مشتی! قرار شد نصف کتاب را من برایش خلاصه کنم و نصف دیگرش را خودش بخواند. دوپست و اندی صفحه را توی ۵ برگه ناقابل A چهار خلاصه کردم و خرس به راحتی از پل گذشت. شما هم می توانید از این ذخیره ارزشمند خانوادگی کمک بگیرید و فصل های کتاب تان را بین فامیل، آشنا و در و همسایه تقسیم کنید! یک روز هم می آید که گره کار آن ها به دست مبارک شما باز شود...

ریز نمرات را بپا!



اورجینال، اورست روش ها، بیشترین بازده در کوتاه ترین زمان! این همه تعریف و تمجید گوارای وجود این یک راه کار. انصافا مشکل گشای امتحانات حفظی است که شب امتحانی باید پاس شوند. همیشه اولین سوالی که در اولین جلسه درس، از استاد می پرسیم همین است، این که لطف بفرماید و ریزنمرات یا همان بارم بندی که برای هر فصل در امتحان در نظر گرفته شده است را بگوید. شب امتحان که می شود، دست می گذارم روی چندتا فصل فول نمره، با یک حساب و کتاب سرانگشتی، فصل هایی را انتخاب می کنم که نمره دلخواهم را تامین کنند آن هم با ضمانت! آدم های شب امتحانی، معمولا تا خود امتحان، ۱۲ ۱۰ ساعت بیشتر زمان ندارند، می توان با یک برنامه ریزی درست و حسابی، قلب همین چند فصل را نشانه گرفت و به اندازه کل ترم از خجالت شان درآمد.

هم شاگردی، سلام!



به هر حال توی هر کلاس مدرسه و دانشگاه، قطعاً یک موجود درازگوش خوان و همیشه در صحنه پیدا می‌شود که مو به موی حرف‌های استاد و حتی حالات چهره‌اش را یادداشت می‌کند. بهترین کار این است که دیر این هم کلاسی عزیز را داشته باشیم و آخر ترم، یک نسخه از روی جزوه‌اش برای خودمان کپی کنیم. تجربه ثابت کرده که معلم‌ها اغلب سوال‌هایشان را از بین مطالبی انتخاب می‌کنند که در طول ترم همه وقت‌شان را برای توضیح آن‌ها گذاشته‌اند. من هم روی همین حساب همیشه یک نسخه از جزوه‌های چند نفر اول کلاس را برای مرور شب امتحانی دارم و از این روش هم جواب‌ها گرفته‌ام!

بی خیال تیترها نشوید!



از پدربزرگ تان هم که بپرسید با شما هم نظر است، اصلا انگار که یک قانون نانوشته شده است. این که معمولا کم هستند آدم هایی که بتوانند کل کتاب را برای امتحان تمام کنند، حالا چه برسد به این که این آدم ها شب امتحانی هم باشند! ترم پیش امتحان مدیریت منابع انسانی داشتم و با اجازه شما کتاب اش را هم دو روز قبل امتحان گرفته بودم، با کلی فشار و به زور کنجد و کندر تا روز امتحان نصف کتاب را خواندم. دوساعتی تا شروع امتحان فرصت داشتم که تجربه به یاری ام آمد، شروع کردم به ورق زدن نصفه باقیمانده و فقط تیترها را پاراگراف هر پاراگراف را خواندم. نتیجه اش هم این شد که همین تیترخوانی، در حد چند نمره ناقابل، نمره ام را کشید بالا. باورتان نمی شود که این مدل خواندن، معجزه می کند در حد تیم ملی والیبال، خصوصا اگر امتحان از نوع چهار گزینه ای باشد...

فرقی نمی کند که یک امتحان کلاسی و مستمر معمولی باشد، یا امتحان نهایی و یا حتی کنکور! همیشه، همه طراح های سوال، برای خودش یک بانک سوال دارند که سوال های هر ترم را از توی همان درمی آورند! حتی بعضا دیده شده استاد های فراوانی وجود دارند که هر ترم، با یک مجموعه سوال یکسان، حال دانش جو و ایضا آموز را می گیرند! پس عقل سلیم حکم می کند که آدم وقتی برای خواندن یک کتاب چندصد صفحه ای زمان ندارد، در به در، دنبال پیدا کردن نمونه سوال های استاد بیفتد! برای این کار هم روش های زیادی می توانم به شما توصیه کنم؛ مثلا اگر امتحان نهایی باشد، که نمونه سوال هایش را به راحتی می توانید توی اینترنت پیدا کنید. اگر یک استاد واحد، هر ترم همان امتحان را می گیرد، هر جور شده نمونه سوال هایش را از ترم بالایی ها گیر بیاورید!

هندي بازی روی برگه!



یکی از مهم ترین عملیاتی است که می شود روی برگه امتحانی پیاده کرد. یادم می آید که استاد درس ادبیات مان عاشق حافظ بود، وقتی که همه زورم را روی برگه پیاده کردم، آخر سر، ته برگه یک غزل خیلی زیبا از حافظ نوشتم که شب قبل با هزار بدبختی حفظ اش کرده بودم. برای استاد نوشتم که علاقه اش به حافظ من را هم عاشق حافظ کرده است و... جواب داد و یک راه کار خوب به جمع راه کارهای شب امتحانی اضافه شد. فقط فوت کوزه گری اش این است که بدانید برای هر کدام شان چه چیزی باید بنویسید...

قیافه یک عدد کبری را به خودتان بگیرید که تصمیم گرفته است!



آخرین تیر ترکش و آخرین شانس برای راضی کردن اساتید بزرگوار. معمولا بعد امتحانات خیلی خفن، به سراغ اساتید می روم و با قیافه ای کاملا نادم و پشیمان فرصت حیران می گیرم. قول یک کار عملی توپ و یا یک تحقیق درست و حسابی می دهم. خلاصه که باید مهارت داشته باشید و بدانید که با یک استاد محترم، چگونه محترمانه سخن بگویید و به او بفهمانید که عصر، عصر رفع کدورت ها و مشکلات از طریق گفت و گو می باشد...

به نقل از : Iran tvkala